

# آقای سالیانس

## وخطر باخت در بازی پرمخاطره

منبع: South

ترجمه: محسن اشرفی

طی سالهای اخیر کشورهای آمریکای لاتین نمونه‌های نسبتاً کاملی بوده‌اند از فرجام نیل به رونق اقتصادی از طریق تکیه بر منابع خارجی، و وضعیت فعلی آنها چشم‌اندازی است فراراه بسیاری از کشورهای دیگر جهان سوم که درصدد افزایش وزن عوامل و ارتباطات خارجی در روند توسعه اقتصادی خویشند، به این امید که برزخ حاصل از کمبود منابع داخلی را سرمایه‌گذاری‌های خارجی مرتفع سازد.

حکومت یکساله کارلوس سالیانس در مکزیک، که با هدف رونق اقتصادی ضمن تغییر قوانین پای سرمایه‌های خارجی و عمدتاً آمریکایی را به این کشور باز کرد، با تعمیق بحران اینک با دوراه حل روبروست: بیشتر کنار آمدن با آمریکا در پرتو سیاست درهای باز و ایستادن در مقابل مردم مکزیک که هیچگاه ستم و زورگویی آمریکا را نسبت به کشورشان فراموش نکرده‌اند... و یا قبول شکست برنامه‌ای که رفاه اجتماعی و بیرون کشیدن مکزیک از باتلاق تورم فزاینده و رونق اقتصادی را هدف قرار داده بود.

هر چند مکزیک از نظر اقتصادی از امتیاز استراتژیک داشتن یک مرز ۳۲۰۰ کیلومتری با بزرگترین بازار جهان برخوردار است، اما سابقه‌ای خونین از عدم تفاهم، بی‌اطمینانی و تعصب نیز بین این کشور و ایالات متحده وجود دارد. روسای جمهور قبلی این کشور برای کسب محبوبیت و انحراف اذهان از مشکلات داخلی، از مشغولیت ملی بیگانه‌ستیزی سود جستند، اما «کارلوس سالیانس دوگورتاری» رئیس‌جمهور نسبتاً جدید این کشور روشی کاملاً متفاوت در پیش گرفته است. وی که با بحران اقتصادی شدیدی روبروست از ایالات متحده دعوت می‌کند تا نقش یک دوست و منجی را برای مکزیک بازی کند. اما این رابطه‌ای مخاطره‌آمیز و یک بازی خطرناک است: اگر سالیانس نتواند معجزه اقتصادی خود را محقق کند، مقام وی و اعتبار حزبی به خطر می‌افتد و درهای گشوده شده بین مکزیک و آمریکا نیز بسته خواهد شد.

در ماه دسامبر سال ۱۹۸۸، هنگامی که این فارغ‌التحصیل هاروارد قدرت را در مکزیک به دست گرفت، ایالات متحده مشغوف بود. سالیانس آدمی است که واشنگتن می‌تواند با او معامله کند: او در مورد مسایل آمریکای مرکزی سکوتی دیپلماتیک اختیار کرده؛ سلاطین مواد مخدر و تولیدکنندگان ماری جوانا و هروئین را به زندان می‌اندازد؛ و مهمتر از همه اینکه سیاست اقتصادی سالیانس پای شرکت‌های فراملیتی آمریکا را به مکزیک باز می‌کند. اما این سوال باقی می‌ماند که به قول یکی از ناظران سیاسی آیا سالیانس «خود را مفت فروخته است؟» سالیانس چاره دیگری جز محکمتر کردن ارتباط کشورش با ایالات متحده فراراه خود نمی‌بیند. وی به کشوری ریاست می‌کند که در بحران عمیق اقتصادی با

یکصد میلیارد دلار بدهی بسر می‌برد و ۶۰ درصد از بودجه دولت آن صرف پرداخت اصل و فرع بدهی‌های خارجی و داخلی می‌شود.

طبق نخستین اظهارات دولت مردمی وی در ماه نوامبر، عدالت و ناسیونالیسم ستونهای اصلی برنامه مدرن سازی وی هستند. اما معیار ناسیونالیستی بودن افراد و برنامه‌ها در مکزیک از دوران قبل از انقلاب مکزیک میزان دوری آنها از ایالات متحده بوده است. در مکزیک، کسانی که در حال کنار آمدن و سازش با ارزش‌های ایالات متحده هستند، مالینچیستا (Malinchista) نامیده می‌شوند که از نام «مالینچه» معشوقه ژنرال کورتز (Cortes) گرفته شده است؛ مالینچه دختری مکزیک بود که مردمش را به این ژنرال فاتح اسپانیایی فروخت و این فتح برگرده مکزیک زخمی پدید آورد که هنوز التیام نیافته است.

برای متقاعد کردن جمعیتی با گرایش خشمگینانه ناسیونالیستی مبنی بر اینکه وی مالینچه‌ای در لباس مردان نیست، سالیانس باید به آنها بیاوراند باز کردن درهای کشور به روی سرمایه‌های آمریکایی؛ خوشامد گویی به شرکت‌هایی مانند مک‌دونالد؛ و سکوت اختیار کردن در مورد [مسایل سیاسی] آمریکای مرکزی سیاست‌هایی هستند به نفع کشور مکزیک، و نه سیاست‌هایی که آمریکایی‌ها او را به پذیرش آن‌ها وادار کرده باشند.

به این ترتیب، سالیانس به نام ناسیونالیسم، استراتژی اقتصاد ملی مکزیک را در جهت دلخواه خود تغییر مسیر می‌دهد. سیاست پیشین «جان‌شنینی واردات»، سوسیدهای هنگفت، و تکیه بر صادرات نفت جای خود را به جذب سرمایه‌گذاری خارجی، کاهش موانع تجاری و رقابتی ساختن صادرات غیر نفتی مکزیک در سطح

بین‌المللی داده است.

کاردر این زمینه هنگامی آغاز شد که سالیانس در دولت قبلی به وزارت برنامه و بودجه رسید. وی در سال ۱۹۸۶ هدایت مکزیک را برای پذیرش موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت [GATT] به عهده گرفت که پس از آن صادرات مکزیک تا سال ۱۹۸۷ هر سال ۲۷ درصد افزایش یافت. اما مکزیک بدون وجود منابعی برای سرمایه‌گذاری در کارخانه‌ها، تکنولوژی، و امور زیر بنایی قادر به حفظ این افزایش قابل توجه در حجم صادراتش نبود. به نظر می‌رسد که از طریق برنامه «برادی»<sup>(۱)</sup>، سالیانس در مورد بدهی‌های خارجی کشورش مهلت‌های بیشتری به دست آورده باشد، اما منتقدین وی خاطر نشان می‌سازند این طرح سهم اندکی در تأمین سالانه ۷ میلیارد دلاری که تخمین زده می‌شود برای سرپا نگه داشتن اقتصاد مکزیک لازم است داشته باشد.

نرخهای بالای بهره کمتر از آن بوده‌اند که بتوانند منابع کافی سرمایه‌گذاری شده توسط مکزیک‌ها در خارج از کشور را به آن بازگردانند، و این امر سبب می‌شود تا سالیانس به سراغ تنها منبع عمده پول رود: سرمایه‌گذاری خارجی.

تجدیدنظر در قوانین سرمایه‌گذاری در ماه مه با تغییر دادن مقررات انتقالات [ارزی] و کوشش‌هایی برای قطع خط قرمز دنیال شد: اینک تصاحب اکثریت سهام شرکت‌ها در مکزیک، برای بیگانگان ممکن شده است و می‌توانند سود و فرآورده‌های خود را از مکزیک خارج کنند. در یازده ماهه اول حکومت سالیانس مکزیک ۲/۱ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کرده است و با اینکه ژاپن و اروپا برای سرمایه‌گذاری در مکزیک اشتیاق نشان داده‌اند، ۶۵ درصد سرمایه‌های خارجی از ایالات متحده وارد این کشور شده‌اند.



سالیانس که مردم شکاک کشورش را بر این امر که سیاست «درهای باز» وی به نفع کشور است متقاعد کرده، اینک باید روابط نزدیک کشورش با ایالات متحده را به شکل منافع اقتصادی متبلور کند. منتقدین ترس از آن دارند که جورج بوش خطری را که سالیانس به استقبال آن رفته درست ارزیابی نکرده است و نمی‌داند در صورت عدم همکاری ایالات متحده با مکزیک رئیس جمهور این کشور به گرفتاری عمیقی دچار خواهد شد.

چنین بنظر می‌رسد که سالیانس درست عمل می‌کند. [نرخ] تورم از ۲۰۰ درصد در ماه دسامبر سال ۱۹۸۷ به ۱۷/۳ درصد در ماه سپتامبر ۱۹۸۹ رسید که طی مدتی بیش از یک دهه کمترین میزان نرخ تورم بوده است. تولید مکزیک که در هشت سال اخیر دچار رکود بود، در نیمه نخست سال ۱۹۸۹ نسبت به مدت مشابه در سال ۱۹۸۸ معادل ۲/۴ درصد رشد نشان داد.

به دنبال ملاقات‌هایی با سران ۲۹ کشور در نخستین سال تصدی مقام ریاست جمهوری، سالیانس قادر شد در مورد موفقیت مکزیک گزارش‌هایی منتشر سازد. شرکت سیمان مکزیک به نام سمکس (Cemex) اینک چهارمین تولیدکننده سیمان جهان است، کورونا (Corona) بین انواع آبجوه‌های وارداتی ایالات متحده مقام دوم را دارد، و شرکت شیشه‌سازی ویترو (Vitro) اخیراً دومین کارخانه بزرگ بطری سازی ایالات متحده - مؤسسه بطری سازی آنکر Anchor را طی یک معامله ۹۲۰ میلیون دلاری خریداری کرده است. اما حتی معرکه گردانان استراتژی سالیانس هشدار می‌دهند که ممکن است معجزه اقتصادی سالیانس یک رویا از کاردرباید. «ارنستورابودل کوئو» مدیرعامل شرکت «سمکس» از سال ۱۹۷۹ نمایندگی بخش خصوصی را در مباحثات ملی و بین‌المللی در مورد اینکه قابلیت‌ها و امکانات اقتصاد بازاری برای مکزیک توسعه خواهد یافت، به عهده داشته است. اما رابو نیز همانند منتقدین سالیانس می‌پذیرد که [موفقیت] این استراتژی منوط به واکنش شمال [ایالات متحده] است. وی می‌گوید ایالات متحده باید به این مساله که مکزیک قبلاً موانع تجاری خود را کاهش داده است توجه کند و براساس آن بازارهای خود را بازتر نماید. وی می‌افزاید عموماً باید این را درک کند که مکزیک کشوری در حال توسعه است و در معامله با ایالات متحده باید از امتیازاتی برخوردار شود. سالیانس در سفر اخیر خود به واشنگتن توانست برگزاری گفتگوهای را در مورد سهمیه فولاد کمتر ایالات متحده طرح کند. اما مکزیک به دستیابی مطلوبتری به [بازار] منسوجات، مواد شیمیایی و محصولات کشاورزی نیازمند است زیرا موانع تجاری موجود صادرات این مواد را به ایالات متحده محدود می‌کند.

سالیانس که قبلاً موانع وارداتی مکزیک را به طور یکجانبه کاهش داده است، در درخواست عمل متقابل در این زمینه از همسایگانش، موضعی قوی ندارد. سال گذشته ایالات متحده ۲/۱ میلیارد دلار کالا به مکزیک فروخت، و هنوز هم موازنه تجاری حدود ۲ میلیارد دلار به نفع مکزیک بود - اما امسال واردات از ایالات متحده ترقی کرد و انتظار می‌رود مکزیک در پایان سال ۱۹۸۹ دچار کسری تجاری در مبادله با ایالات متحده باشد. در نخستین نیمه سال فوق واردات ۳۵ درصد افزایش

■ رئیس جمهور مکزیک که قبلاً موانع وارداتی مکزیک را به طور یکجانبه کاهش داده است، در درخواست عمل متقابل در این زمینه از همسایگانش، موضعی قوی ندارد.

■ قبلاً گمان می‌رفت واردات کارخانه، تکنولوژی و مواد اولیه برای توسعه صادرات غیرنفتی مکزیک است اما ۹۰ درصد افزایش تولید در دست چند صنعت است که هیچکدام صادرات موفقیت آمیز نداشته‌اند.

■ فراملیتی‌ها و تعداد کمی از شرکتهای مکزیک از استراتژی رئیس جمهور مکزیک بهره‌مند می‌شوند، اما مؤسسات کوچک و متوسط حداقل در کوتاه مدت زیر فشار این استراتژی‌اند.

یافت و صادرات به ایالات متحده تنها ۸ درصد ترقی کرد. منتقدین رئیس جمهور ادعا می‌کنند این ارقام دستکاری شده است تا ارقام واقعی بسیار بدتری را پنهان کند.

«خورگه کاستاندا» که یکی از تحلیلگران سیاسی و مخالفین دولت است رهنمود داده است که مکزیک‌ها هدف توسعه صادرات را باید با دقت بیشتری دنبال کنند. گمان می‌رفت واردات کارخانه، تکنولوژی، و مواد اولیه برای توسعه صادرات

غیرنفتی مکزیک است، اما کاستاندا می‌گوید ۹۰ درصد افزایش تولید در دست چند صنعت مشخص کلیدی است: خودرو سازی، سیمان، تولید شیشه و آنچه که هیچکدام صادراتی که بتوان آنرا موفقیت آمیز ارزیابی کرد نداشته‌اند.

\*\*\*

فراملیتی‌هایی که اکثر آنها اساساً آمریکایی هستند و همچنین تعداد کمی از شرکتهای مکزیک از استراتژی جاری بهره‌برداری می‌کنند، اما مؤسسات کوچک و متوسط حداقل در کوتاه مدت زیر فشار این استراتژی قرار گرفته‌اند. دولت و مطبوعات در مورد ورشکستگیها سکوت اختیار کرده‌اند، و ترجیح می‌دهند در مورد موفقیت بخش

مرتبط با «ماکویلا دورا» maquiladora (واحدهای تولید مستقر در مناطق آزاد تجاری) و مؤسسات وارداتی مکزیک به سخن برانگی و تبلیغ بردازند.

مکزیک اینک ۱۸۵۰ کارخانه «ماکویلا دورا» دارد که بخش اعظم آنها در مالکیت ایالات متحده است. به مدت ۲۳ سال دولت به این واحدها که اکثراً در جوار مرز شمالی کشور [مرز ایالات متحده] واقع شده‌اند اجازه داده است تا با شرایطی بسیار ایده‌آل قطعات خود را وارد کرده و تولیدات

تمام شده را صادر کنند. هرچند این واحدها ۳۹۴ هزار فرصت شغلی تولید کرده‌اند، اما منتقدین خاطر نشان می‌سازند انتقال تکنولوژی از طریق این واحدها بسیار محدود بوده و واحدها هر سال ۵۰ درصد از کارکنان خود را تعویض می‌کنند.

به منظور توانایی پافشاری بر این ادعا که این نوع مؤسسات کارهایی بیشتر از صدور فقر از طریق ایجاد شغل از مکزیک انجام می‌دهند، سالیانس باید صاحبان این واحدها را وادار سازد در تولیدات خود از مواد اولیه محلی بیشتری استفاده کنند. اطاق بازرگانی آمریکا در مکزیک این نکته را که عرضه کنندگان مکزیک در فروش تولیدات خود به واحدهای یاد شده با مشکلاتی رو به رو هستند می‌پذیرد، اما دلیل این امر را گرفته شدن تصمیمات مربوط به خرید در خاک آمریکا می‌داند.

وارد کنندگان مکزیک نیز حکایت مشابهی دارند. «رافائل پاناما» موسس «فاگراپابلسیدار» شاهد ۶۰۰ درصد در کاسبی اش از هنگام پذیرش مکزیک در «گات» بوده و کل فروش سالانه اش به ۱/۵ میلیون دلار آمریکا بالغ شده است، اما شرکت وی (حتی) لوازم اداری اش را از تولید کنندگان محلی نمی‌خرد، زیرا «این محصولات در کیفیت و در قیمت قدرت رقابت [باجنس خارجی] ندارند»

اما به هرحال واردات به تثبیت [نرخ] تورم داخلی در حد قابل کنترلی کمک کرده‌اند. امضای چند موافقتنامه بین دولت، صاحبان صنایع و کارگران که از طریق آنها قیمت‌ها در مقابل انجماد دستمزدها تثبیت شده‌اند نیز [نرخ] تورم را پائین نگه داشته است. اما کارگران طی هفت سال گذشته حدود ۵۰ درصد از قدرت خرید خود را از دست داده‌اند و از استراتژی مورد پشتیبانی سالیانس بهره‌ای نمی‌برند. منتقدینی چون خورگه کاستاندا از آن بیم دارند که حتی اگر قمار سالیانس سودی داشته باشد و وی بتواند از طریق صادرات یک بهبود اقتصادی داشته باشد، تنها حدود ۳۰ درصد مردم از آن بهره خواهند برد. در همین حال قطع هزینه‌های عمومی، سیستم رفاه اجتماعی را که قبلاً هم تکافوی جمعیت فزاینده را نمی‌کرد با خطر کاهش سطح مواجه ساخته است.

سالیانس ادعا می‌کند برنامه‌های مدرن سازی وی به نفع همه خواهد بود، اما بسیاری از مکزیک‌ها اناقدرها مطمئن نیستند. طی هفته‌ای از ماه اکتبر که کنگره آمریکا به تحسین و استقبال از سالیانس پرداخت، معلمین، موسیقی دانان، کارکنان مؤسسات بهداشتی، معدنچیان و بیخانمان‌ها به سوی کنگره ملی این کشور راهپیمایی کردند. پلاکاردهای آنها سالیانس را متهم می‌ساخت مکزیک را به عموماً فروخته است.

■ زیر نویس:

۱- طبق برنامه «نیکلاس برادی» وزیر خزانه داری ایالات متحده، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول صندوقی با سرمایه ۲۰ میلیارد دلار برای بازپرداخت بدهی‌های کشورهای بدهکار بدهی آورده‌اند. بانکهای بین‌المللی موظفند سه شیوه برای تخفیف بحران در پیش گیرند و کشورهای بدهکار نیز باید بدهی‌های قبلی خود را باز خرید کنند. اساس این طرح، بخشش بخشی از بدهی‌های هنگفت، برای تضمین شدن بازپرداخت بقیه بدهی‌ها است - مترجم

■ مشخصات مقاله در مآخذ اصلی:

SALINAS BETS HIS SHIRT. Mary Farquharson, South, No.110 Dec 1989